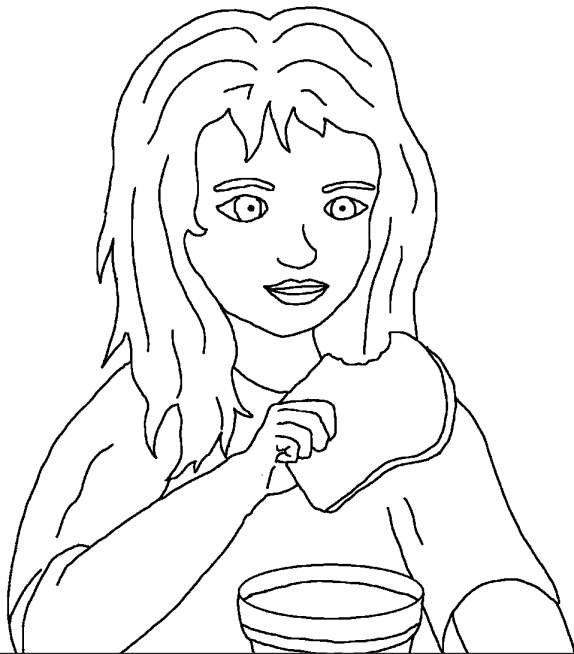


کتاب مقدس برای کودکان
نقدیم می کند



دختری که دوباره
زنده شد



مردی بنام یایروس، سرپرست عبادتگاه یهودیان بود و به مردم کلام خداوند را تعلیم می داد. یکروز اتفاق بدی برای او افتاد. دختری کوچکش که دوازده ساله بود، سخت بیمار شده بود. به نظرمی رسید که هیچ کسی نمی تواند به او کمک کند. بیماری بدی بود. یایروس می دانست که دخترش در حال مرگ است.

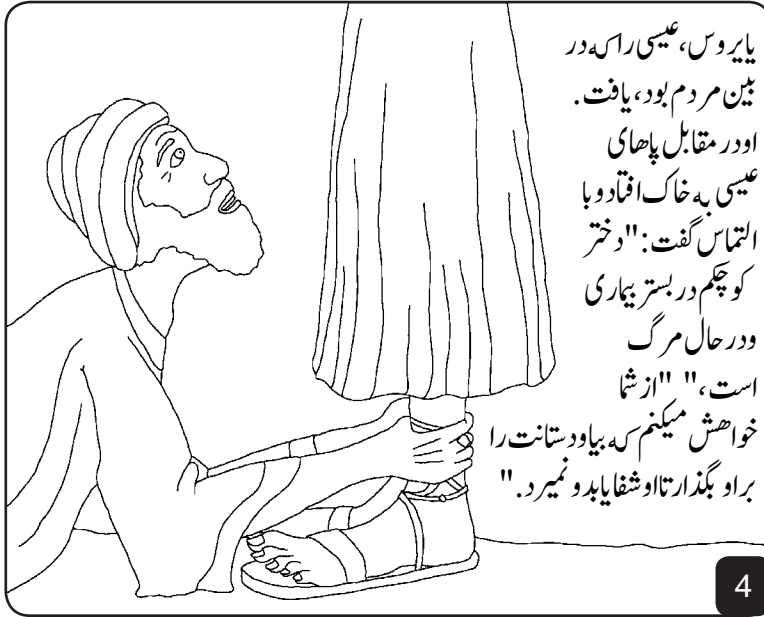


نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: Janie Forest
بازگویی از: Ruth Klassen
مترجم: Shahrzad
Alastair Paterson
ناشر: Bible for Children
www.M1914.org

BFC
PO Box 3
Winnipeg, MB R3C 2G1
Canada

©2020 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان حرارگی و با چاپ نمایی به شرط آن که رایگان توزیع شود.



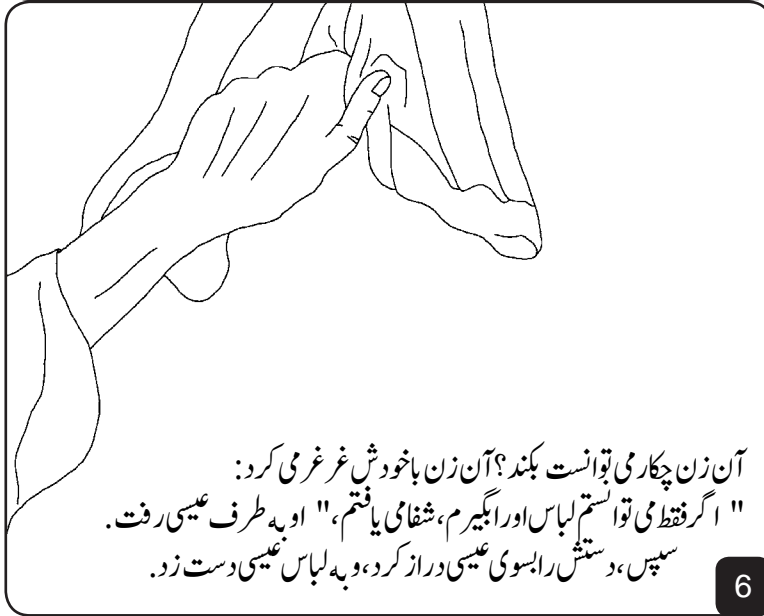
یایروس، عیسی را سه در
بین مردم بود، یافت.
اودر مقابل پاهای
عیسی به خاک افتاد و با
التماس گفت: "دختر
کوچکم در بستر بیماری
ودر حال مرگ
است،" "از شما
خواهش میکنم که بیادستانت را
براو بگذارتاوشفا یابد و نمیرد."

4



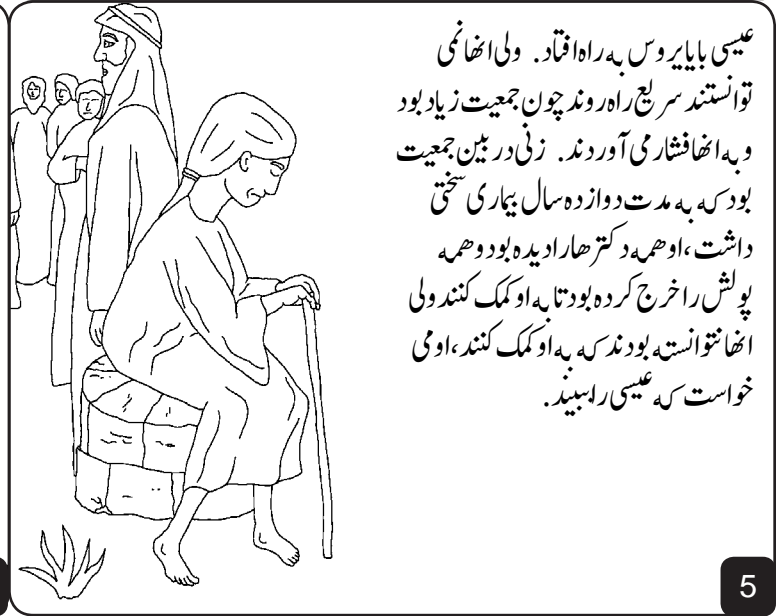
نمی داد. او باید از عیسی
مکملی گرفت قبل از اینکه
دخترش بمیرد.

3



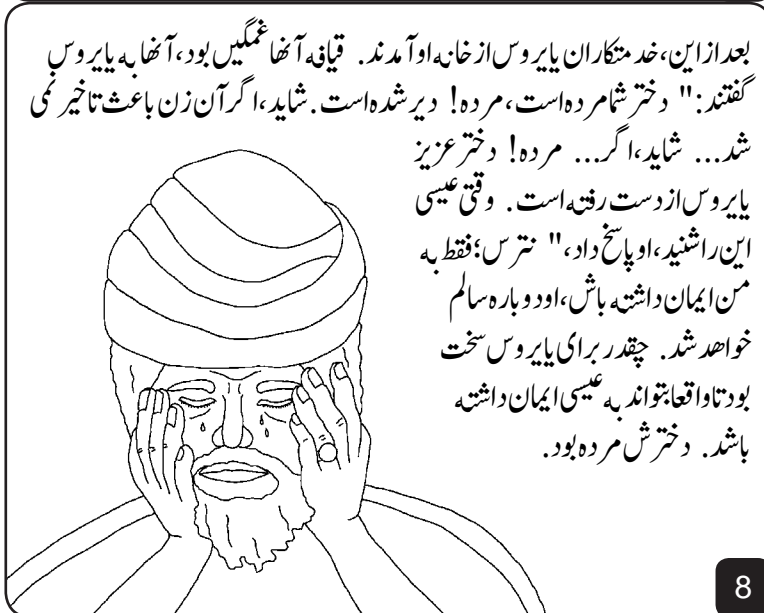
آن زن چکاری توانست بکند؟ آن زن با خودش غرغری کرد:
"اگر فقط می توانستم لباس او را بگیرم، شفای یافتم،" او به طرف عیسی رفت.
سپس، دستش را بسوی عیسی دراز کرد، و به لباس عیسی دست زد.

6



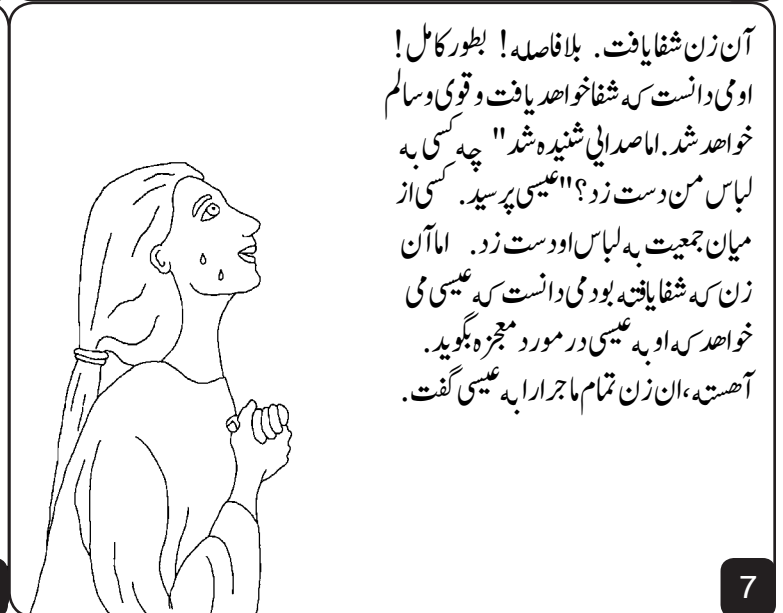
عیسی با یایروس به راه افتاد. ولی انهایی
توانستند سر لبع راه روند چون جمعیت زیاد بود
و به انخافشارمی آوردند. زنی در بین جمعیت
بود که به مدت دوازده سال بیماری سختی
داشت، او صحره دکترها را دیده بود و صحره
پولش را خرج کرده بود تا به او کمک کنند ولی
انها نتوانسته بودند که به او کمک کنند، اومی
خواست که عیسی را ببیند.

5



بعد از این، خدمتکاران یایروس از خانه او آمدند. قیافه آنها غمگین بود، آنها به یایروس
گفتند: "دختر شما مرده است، مرده! دیر شده است. شاید، اگر آن زن باعث تاخیر نمی
شد... شاید، اگر... مرده! دختر عزیز
یایروس از دست رفته است. وقتی عیسی
این را شنید، او پاخ داد، "نترس؛ فقط به
من ایمان داشته باش، او دوباره سالم
خواهد شد. چقدر برای یایروس سخت
بود تا واقعاً بتواند به عیسی ایمان داشته
باشد. دخترش مرده بود.

8



آن زن شفا یافت. بلافاصله! بطور کامل!
اومی دانست که شفا خواهد یافت و قوی و سالم
خواهد شد. اما صدایی شنیده شد "چه کسی به
لباس من دست زد؟" عیسی پرسید. کسی از
میان جمعیت به لباس او دست زد. اما آن
زن که شفا یافته بود می دانست که عیسی می
خواهد که او به عیسی در مورد معجزه بگوید.
آهسته، آن زن تمام ماجرا را به عیسی گفت.

7

عیسی آٹھارہ بیرون کرد، دست دختر را گرفت و گفت: " دخترم، بلند شو. " یایروس آنجا بود. همسرش نیز آنجا بود. دسہ شاگرد عیسی، ہم آنجا بودند. آٹھ سخنان عیسی را شنیدند. آیا آن دختر ہم این سخنان را شنید؟



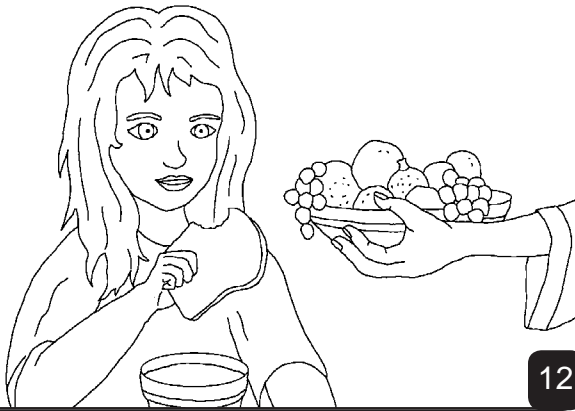
10

در آن خانه، همه برای دختر کوچک گریه می کردند و عزادار بودند. عیسی به مردم گفت: " او نمردہ است، او خواب است. " مردم به عیسی خندیدند. آٹھامی دانستند کہ دخترک مردہ است.



9

پدر و مادرش غرق در حیرت و شگفتی شدند. عیسی به آٹھ گفت کہ بہ دخترک غذا بدهند. چقدر آٹھانو شحال بودند و چقدر آٹھاز عیسی تشکر کردند.



12

دخترک کہ مردہ بود ہم فرمان عیسی را شنید! روح دخترک بہ زندگی بازگشت، و او بلا فاصلہ بر خاست. عیسی اور از مردگان بلند کرد.



11

دختری کہ دوبارہ زندہ شد

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

مرقس فصل پنجم، لوقا فصل هشتم

"کشف کلام تونورمی بختند."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

13

پایان

داستانهای کتاب مقدس با مادر باره خدا بی صحبت می کنند که ما را
آفرید و اراده او این است که شما نیز اورا بشناسید.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنها را گناه می خواند. م
جازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانۀ خود را فرستاد تا بر
روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به
آسمان بالا رفت. اگر توبه عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپامرزد،
او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم
که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی.
خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای
همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند توبه بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶